

دوتا ۳۵۸	بررسی کتاب مقدس / ۶۸
	رومیان ۱۲
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه از بررسیهای کتاب مقدس، دو معلم، رومیان ۱: ۱ - ۲۱ را مورد بررسی قرار خواهند داد. اگرچه تمام کتاب رومیان پر از تعالیم و اعمال مسیحی است، اما فصلهای ۱ تا ۱۱ کتاب رومیان بر "تعالیم مسیحی"، و فصلهای ۱۲ تا ۱۶ کتاب رومیان بر "اعمال مسیحی" تأکید دارند. موضوع فصل ۱۲ رومیان، "تقدیس شدن" است. قبلاً در رومیان فصل ۶ دریافتیم که اساس عادل شمردگی و قدوسیت، "یگانگی روحانی با عیسی مسیح" در مرگ و قیام اوست (رومیان ۶: ۲ - ۷). بدون عادل شمردگی نمی‌توانیم در قدوسیت رشد کنیم، و بدون قدوسیت نیز هرگز نخواهیم توانست از عادل شمردگی خود مطمئن باشیم. از آنجا که یگانگی روحانی در مرگ و قیام عیسی مسیح امری همیشگی است، رشد کردن در قدوسیت نیز در یک مسیحی واقعی همواره روندی دائمی و پویا خواهد بود (رومیان ۶: ۱۰ - ۱۱). اتحاد و یگانگی روحانی با عیسی مسیح بدین معناست که فرد مسیحی از عیسی مسیح خواسته است در قلب و زندگی او ساکن شود، و اینکه روح القدس در بدن فرد مسیحی زندگی می‌کند. روح القدس در واقع همان روح مسیح قیام کرده است؛ روح مسیح صعود کرده است که به جلال رسیده و اکنون در آسمان سلطنت می‌کند (رومیان ۸: ۹ - ۱۰). زندگی عملی و اخلاقی فرد مسیحی بر شالوده قوی و مستحکم کار نجاتی که مسیح برای ما به انجام رساند، مبتنی است. فرد مسیحی از آنجا که به مسیح تعلق دارد و عیسی مسیح از طریق روح القدس زندگی جدیدی را در او آغاز کرده است، پیوسته در قدوسیت رشد می‌کند.

### (S) قدم اول. بخوانید

با هم رومیان فصل ۱۲ را بخوانیم. اگر دو نفر یا بیشتر هستید، هر یک به نوبت یک آیه را بخوانید تا تمام متن خوانده شود. به‌خاطر کمبود وقت، لطفاً رومیان ۱: ۱۲ - ۲۱ را بعداً بخوانید.

### (T) قدم دوم. کشف کنید

بیباید برخی از حقایق مهم را در رومیان فصل ۱۲ کشف کنیم و مورد گفتگو قرار دهیم. "کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟" یا "کدام حقیقت در این بخش فکر یا دل شما را لمس می‌کند؟" فکر کنید و پاسخ خود را در دفتر یادداشت‌تان بنویسید. پس از چند دقیقه، به نوبت، کشفیات خود را با یکدیگر در میان بگذارید.

### (S) در رومیان ۱: ۱۲ حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

"وظیفه فرد مسیحی در قبال بدنش". بدن فرد مسیحی بخش مهمی از روند تقدیس شدن را تشکیل می‌دهد. آیه ۱ می‌گوید: "ای ایمانداران عزیز، در مقابل این لطف و رحمت خدا التماس می‌کنم که بدنهای خود را مانند قربانی زنده و مقدس به او تقدیم کنید، زیرا این است قربانی که مورد پسند اوست." ادیان مختلفی در دنیا هستند که بدن انسان را مکروه و پست می‌دانند و آن را شرّ قلمداد می‌کنند. این مذاهب کمال اخلاقی را در این می‌دانند که انسان از قید تن خود آزاد شود. اما برعکس، بدن انسان در مسیحیت دارای جایگاه بسیار مهمی است. بدن انسان از زمان خلقت، جزو جدایی‌ناپذیری از وجود و شخصیت اوست (پیدایش ۲: ۷ و ۲۱ - ۲۳). هنگامی که پایان زندگی انسان فرارسد، بدن خاکی او بعلت گناه می‌میرد؛ اما این روند، امری غیرطبیعی قلمداد می‌شود، زیرا برنامه خدا این است که تمام بدنها را از مرگ برخیزاند (دانیال ۱۲: ۲؛ فیلیپیان ۳: ۲۰ - ۲۱). از آنجا که بدن فرد مسیحی هیكل روح القدس است، او باید تمامی اعضای بدن خود را بعنوان ابزار عدالت وقف خدا نماید (رومیان ۶: ۱۳ و ۱۹).

فرد مسیحی بدن خود را بعنوان قربانی "زنده" به خدا تقدیم می‌کند، که به این معناست که او "همواره" یا "هر روزه" بدن خود را بعنوان ابزار طبیعت تولدتازه یافته خود، وقف خدمت به خدا می‌کند.

فرد مسیحی بدن خود را بعنوان قربانی "مقدس" به خدا تقدیم می‌کند، که به این معناست که او بجای آنکه بدن خود را وقف شهوات جسم سازد، آن را وقف "قدوسیت" می‌سازد.

فرد مسیحی بدن خود را بعنوان قربانی "مورد پسند" به خدا تقدیم می‌کند، که به این معناست که او "جز خشنود ساختن و جلال دادن خدا انگیزه دیگری ندارد". اینگونه تقدیم داشتن بدن خود به خدا، "عبادت روحانی" خوانده می‌شود، که به این معناست که فرد مسیحی برخلاف عبادات شریعت‌گرایانه و تشریفاتی آیین یهود یا سایر مذاهب غیرمسیحی، تعمداً و آگاهانه بدن خود را بطور کامل وقف مسیح می‌کند.

### (T) در رومیان ۱: ۱۲ حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

"وظیفه فرد مسیحی در قبال فکرش". فکر و ذهن فرد مسیحی، کلید دگرگون شدن اوست. آیه ۲ می‌گوید: "رفتار و کردار و شیوه زندگی مردم دنیا را تقلید نکنید، بلکه بگذارید خدا افکار و طرز فکرتان را دگرگون کند تا به انسانی جدید تبدیل شوید. آنگاه قادر خواهید شد اراده خدا را درک کرده، آنچه را که خوب و کامل و مورد پسند اوست، کشف کنید." فرد مسیحی برای آنکه بتواند در عمل مسیحی‌وار زیست کند، باید معیاری داشته باشد. معیار او نباید دنیای گناهکار، بلکه باید اراده خدا باشد. در آیه ۲، یک فرمان مثبت و یک فرمان منفی، و نیز یک وعده وجود دارد.

فرمان منفی می‌گوید: “از این دنیا تقلید نکنید.” و در موردِ همرنگ نشدن با دنیای خارج و تأثیر پذیرفتن از آن صحبت می‌کند. “همرنگ الگوی این عصر شریر مشوید.” بنابراین برخی چیزها در این دنیا هست که فرد مسیحی باید از آنها اجتناب کند. بعنوان مثال، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که مسیحیان باید از به زبان راندن سخنان زشت بپرهیزند، آوازهای میتدل نخوانند، مجلات و کتب مستهجن نخوانند، فیلمهای غیراخلاقی تماشا نکنند، از پوشیدن لباسهای تحریک‌کننده اجتناب کنند، تفریحات غیراخلاقی نداشته باشند، و با دوستان شریر و خدانشناس معاشرت ننمایند. اولین نشانه ایمان مسیحی، دوری جستن از گناه است (اول تسالونیکیان ۱: ۹). زندگی فرد مسیحی نباید توسط روزگار شریر و زودگذر تعیین شود (اول یوحنا ۲: ۱۷؛ اول قرنتیان ۲: ۶ و ۸)، بلکه نقشه‌ها و آرزوهای فرد مسیحی باید در راستای زندگی جاودان تعیین شود. فرد مسیحی باید شیوه زندگی را در پیش گیرد که با زندگی جاودان مطابقت دارد.

فرمان مثبت می‌گوید: “دگرگون شوید.” و در مورد تغییر و تحول درونی که به دگرگونی ابدی می‌انجامد، صحبت می‌کند. “بگذارید خدا افکار و طرز فکرتان را دگرگون و احیا سازد.” بنابراین برخی چیزها نیز در این دنیا هست که فرد مسیحی باید آنها را انجام دهد. بعنوان مثال، مسیحیان باید فعالانه در پی تغییر و دگرگونی باشند، اراده خدا را در کتاب مقدس بجویند، افکارشان را با کلام خدا پر سازند و اجازه دهند که روح القدس با استفاده از کلام خدا زندگی و شخصیت آنها را دگرگون کند. مسیحیان باید پیوسته وجدان، عقاید و باورهایشان را به مکتب کتاب مقدس بفرستند و از روح القدس تعلیم بگیرند. آنان باید اعتقادات خود را با معیار کتاب مقدس بسنجند و ببینند آیا با آن مطابقت دارد یا نه. این فرمان مثبت، در پی دگرگون ساختن و تغییر دادن رکود و رخوت روحانی و کبر و غروری است که اغلب به سراغ مسیحیان می‌آید. پولس تعلیم می‌دهد که تنها کافی نیست در ابتدای کار تجربه‌ای از توبه داشته باشیم، بلکه باید “پیوسته” احیا و دگرگون شویم. وعده خدا این است که چنین مسیحیانی قادر خواهند شد اراده خدا را درک کرده، دریابند که چگونه باید زندگی کرد. بیاد داشته باشید که اراده خدا همیشه انعکاسی از قدوسیت، عدالت و نیکویی اوست.

### (S) قدم سوم. سؤال کنید

بیابید تمام حقایق موجود در رومیان ۱۲ را درک کنیم و سوالات خود را درباره نکاتی که هنوز درک نکرده‌ایم، مطرح سازیم. “چه سؤالی در مورد هر نکته‌ای از این بخش مایلید از گروه بپرسید؟” فکر کنید و سؤال خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. سپس راجع به سوالات گفتگو کنید و سعی کنید پاسخ آنها را بیابید. سؤال اول. (۱۲: ۳) “معنی آیه ۳ چیست؟” این آیه می‌گوید: “خود را بزرگتر از آنچه که هستید به حساب نیاورید، بلکه خود را با آن مقدار ایمانی بسنجید که خدا به شما عطا کرده است.”

(T) اول. “پولس با اقتدار و فیض خود بعنوان رسول عیسی مسیح، در مورد تفاوتی که بین ایمانداران وجود دارد صحبت می‌کند.”

خدا بواسطه فیض و مشیت الهی خود اجازه داده است چنین تفاوتی در کلیسا وجود داشته باشد. بین ایمانداران مختلف، سه تفاوت عمده وجود دارد: آیه ۳ می‌گوید که به مسیحیان “مقدار ایمان متفاوتی” داده شده است؛ آیه ۴ می‌گوید که به مسیحیان “عملکردهای مختلفی در کلیسا” داده شده است؛ آیه ۶ می‌گوید که به مسیحیان “عطایای روحانی مختلفی” داده شده است. چنین تفاوتی در بین مسیحیان بواسطه اراده مطلق و مقتدر خدا تعیین می‌شود، و بنابراین مسیر قدوسیت و نحوه خدمات آنان را نیز همین تفاوتها تعیین می‌کند.

دوم. “پولس به مسیحیان هشدار می‌دهد که مرتکب گناه خودبزرگبینی در کلیسا نشوند.” غرور عبارت است از طمع ورزیدن یا تظاهر کردن به عطای روحانی یا وظیفه‌های کلیسایی که در حقیقت به فرد مسیحی تعلق ندارد. مسیحیانی که به عطایای روحانی یا وظائف کلیسایی که خدا برحسب میزان ایمان‌شان به آنها بخشیده قانع نیستند، دچار گناه غرور یا خودبزرگبینی می‌باشند. فرد مسیحی باید بطور صحیح در مورد خود قضاوت کند، و نباید تصور کند که واجد عطایای روحانی است که در واقع به او داده نشده است. البته در عین حال نباید از پذیرفتن و اذعان داشتن به عطا یا عطایای روحانی که خدا به او بخشیده است نیز پروا داشته باشد. خودبزرگبینی گناه است، اما فروتنی کاذب نیز گناه است. سوم. “واژه “مقدار” به “بازده میزان” اشاره دارد، چه از لحاظ محدودیت کمیّت و چه از لحاظ حدود “نوع” چیزی که به اندازه یا مقدار مشخص داده شده است.

بر اساس افسسیان ۴: ۷، تأکید در اینجا بیشتر بر “نوع” ایمان یا نوع عطای روحانی است که خدا برحسب اراده و اقتدار خود به اندازه و مقدار مشخص به هر فرد مسیحی عطا کرده است. منظور از اندازه‌های مختلف ایمان، شیوه‌های مختلفی است که مسیحیان باید بواسطه عطایای روحانی مختلف یا خدمات و عملکردهای مختلفی که در کلیسا دارند، از طریق آنها ایمان خود را بیان نمایند و در عمل بکار بزنند. به عنوان نمونه‌هایی در این زمینه، می‌توان به تنوع و گوناگونی عطایا و خدمات اشاره کرد که در آیات ۶ تا ۸ در مورد آنها صحبت شده است. هر فرد مسیحی، “مقدار ایمان” خاص خودش را دریافت می‌کند؛ به عبارت دیگر، هر فرد مسیحی آن عطا یا وظیفه‌ای را دریافت می‌کند که خدا برحسب اراده و اقتدار خود به او سپرده است تا در کلیسا خدمت کند. این واقعیت که خدمات و عطایای روحانی در کلیسا به “مقدار مشخص” به هر فرد داده می‌شود (افسسیان ۴: ۷)، به این معناست که هر عطای روحانی از لحاظ نوع عملکرد و حیطه یا زمینه‌ای که باید در آن پیاده شود، دارای “محدودیت‌هایی” است.

#### چهارم

برای اینکه بتوانیم به وظائف مختلف خود بعنوان اعضای کلیسا عمل کنیم، به "ایمان" نیاز داریم. آری، ما تنها زمانی که عضو کلیسا شدیم به این ایمان نیاز نداشتیم، بلکه اکنون نیز جهت عمل کردن به خدمات کلیسایی خود به آن نیاز داریم. هر فرد مسیحی باید با بکار بردن عطای روحانی یا تکلیفی که خدا به او محول کرده است، خدا را خدمت نماید و بدین ترتیب ایمان خود را در عمل نشان دهد. تمامی عطایای روحانی را تنها از طریق ایمان به مسیح (۱۲: ۳؛ فیلیپیان ۴: ۱۳) و محبت کردن به دیگران (اول قرنتیان ۱۳) می‌توان بطور صحیح بکار گرفت. سؤال دوم. (۱۲: ۴ - ۸) "وظیفه هر فرد مسیحی در کلیسا چیست؟"

(S) وظیفه هر فرد مسیحی این است که خدا را از طریق عطایای روحانی و تکالیفی که خدا به او سپرده است، خدمت نماید. بدن انسان دارای عضوهای متعددی است و هر عضو در چهارچوب بدن وظیفه‌های متفاوت اما مهم و حیاتی برعهده دارد. به همین ترتیب، تمام مسیحیان نیز، نه تنها در کلیساهای محلی خود بلکه در سراسر جهان، بر روی هم بدن مسیح را تشکیل می‌دهند و هر فرد مسیحی عضوی از این بدن است و وظیفه‌های حیاتی برعهده دارد. آیه ۵ می‌گوید که: "هر عضوی به تمام اعضای دیگر نیز تعلق دارد" (افسیان ۴: ۲۵) و به این معناست که مسیحیان باید یکدیگر را از طریق عطایای روحانی و عملکردی که دریافت کرده‌اند، خدمت نمایند (اول پطرس ۴: ۱۰). بر اساس افسسیان ۴: ۷ - ۱۲، مسیح به بدن خود یعنی به کلیسای جهانی پنج عطای مختلف بخشیده است: رسولان، انبیاء، مبشرین، شبانان و معلمان. درحالی‌که عملکرد "پیران" این است که کلیسای مستقل محلی را رهبری کنند، اما عملکرد این پنج عطا این است که "کلیسا را در سراسر جهان بنا و تقویت نمایند". در اول قرنتیان ۱۲: ۲۸ می‌خوانیم که سه عطای روحانی که از همه مهمترند عبارتند از: اول رسولان، دوم انبیاء، و سوم معلمین. رومیان ۱۲: ۶ - ۸ از نبوت بعنوان اولین عطا یاد می‌کند، زیرا در آن هنگام هنوز رسولی در روم نبود (رومیان ۱۵: ۱۵ - ۲۹، بویژه آیه ۲۰). اما در رومیان ۱۲: ۶ - ۸ هیچ ترتیب مشخصی مورد نظر نیست. "عطای روحانی" عبارت است از اشتیاق، توانایی یا عملکرد ویژه‌ای که خدا عطا کرده است. بر اساس اول قرنتیان ۱۲: ۴ - ۷، "عطای روحانی" تجلی قدرت، حکمت یا فیض خداست از طریق فرد مسیحی، و خود را در قالب خدمات مختلف نمایان می‌سازد. در فصل ۱۲ رومیان، چهار عطای روحانی که در ابتدا به آنها اشاره می‌شود، کاری را که باید انجام شود بیان می‌کنند: نظیر عطایای روحانی "نبوت کردن"، "خدمت کردن"، "تعلیم دادن" و "تشویق کردن". سه عطای روحانی که در پایان به آنها اشاره شده است، "حالت" اجرا شدن این عطایا را بیان می‌دارند؛ به عبارت دیگر، نشان می‌دهند که قلب فرد ایماندار و نگرش او بهنگام استفاده از عطایای روحانی باید چگونه باشد: مسیحیان باید "با سخاوتمندی" در رفع نیازهای برادران مسیحی خود بکوشند. "رهبری" باید با پایداری و سخت‌کوشی همراه باشد. و "تسلی دادن افسردگان" باید با شادی و رغبت انجام شود. سؤال سوم. (۱۲: ۶) "عطای مسیحی نبوت چگونه عطایی است؟"

(T) "نبوت" یعنی "بیان نمودن"، و به خدمت یا قابلیت ویژه "اعلام نمودن مکاشفه حقیقت از جانب خدا" اشاره دارد (اعمال ۲: ۱۶ - ۱۷؛ ۲۱: ۱۰ - ۱۱). در کلیسای اولیه، یعنی تا پیش از تکمیل کتب عهدجدید، نیاز مبرمی به انبیاء وجود داشت. مسیحیان در آن زمان کتاب‌مقدس را در اختیار نداشتند و از این رو خدا از طریق انبیاء حقیقت خود را بر آنها مکشوف می‌ساخت. انبیاء بویژه به مسیحیان نشان می‌دادند که خدا از آنها انتظار دارد در زمان کنونی چگونه زیست کنند (اعمال ۱۵: ۳۲). انبیاء گاه نکاتی را نیز در مورد وقایع آینده بر مسیحیان آشکار می‌ساختند (اعمال ۱۱: ۲۷ - ۲۸). اما تاریخ مسیحیت نشان می‌دهد که این انبیاء تا زمان تکمیل کتب عهدجدید، حضوری فعال داشتند. انبیای دوران عهدجدید می‌بایست "به مقدار ایمان خود"، یعنی تا آنجا که ایمان‌شان اجازه می‌داد، نبوت می‌کردند. این بدان معناست که آنان موظف بودند این عطای روحانی خود تنها را برحسب ایمانی که داشتند و در چهارچوب خدمت و مأموریتی که خدا به آنان محول کرده بود، بکار برند. از یک طرف به هیچ وجه نمی‌شد انبیای دوران عهدجدید را از بازگو کردن حقیقتی که خدا می‌خواست بیان نمایند منع کرد (اعمال ۲۰: ۲۰)، اما از سوی دیگر، پس از تکمیل ۶۶ کتاب کتاب‌مقدس، هیچ نبی نمی‌توانست فراتر از آنچه در کتاب‌مقدس نوشته شده بود چیزی بگوید - کمالینکه پولس نیز در اول قرنتیان ۴: ۶ بوضوح همین مطلب را تعلیم می‌دهد. همانطور که آشکارا در اعمال ۱۷: ۱۱ می‌بینیم، تمام مسیحیان از این پس باید ادعاهای انبیاء را بر اساس آنچه در کتاب‌مقدس نوشته شده است بسنجند. سؤال چهارم. (۱۲: ۱۰) "چگونه مسیحیان دیگری را بیشتر از خود احترام می‌کنند؟"

(S) از آنجا که میزانهای متفاوت ایمان، انواع عطایای روحانی مختلف و انواع عملکردهای گوناگون در کلیسای مسیحی جهانی وجود دارد، بنابراین هر مسیحی تعهد و سهمی در بنای بدن مسیح دارد. هر مسیحی حداقل در یک زمینه قدرت و عطیه ای دارد، اما هیچ مسیحی ای نیست که همه توانایی‌ها و عطایا را داشته باشد. هیچ مسیحی ای نیست که در همه زمینه‌های خدمت خوب باشد. مسیحیان به عطایا و عملکردهای روحانی یکدیگر نیاز دارند. بنابراین مسیحیان باید یکدیگر را بخاطر عطایا و توانایی‌هایی که بهتر از خودشان است، احترام بگذارند. برطبق فیلیپیان ۲: ۴، هریک از مسیحیان باید دیگری را بهتر از خود ببیند. این بدین معنی است که مسیحیان باید دیگران را برای توانایی‌هایشان و مشارکت خاصی که در کلیسا دارند تحسین کنند. در یک کلیسا هیچ چیز نابود کننده تراز انتقاد یکدیگر یا تحقیر آنچه مسیحیان دیگر در کلیسا انجام می‌دهند، نیست. اما وقتی مسیحیان یکدیگر را تشویق کنند و توانایی‌ها و عطایای یکدیگر را تحسین کنند، آنگاه کلیسا رشد کرده و بنا خواهد شد. سؤال پنجم. (۱۲: ۱۷ - ۲۱) "کتاب‌مقدس در مورد انتقام چه تعلیمی می‌دهد؟"

(T) اول. «مسیحیان هرگز نباید انتقام بگیرند.» آیه ۱۷ می‌گوید: «هرگز به عوض بدی، بدی نکنید.» درست است که بدکاران باید توسط دولت مجازات شوند (رومان ۱۳: ۴)، اما افراد مسیحی هیچگاه نباید خودشان مجری قانون شوند و بدکاران را به مجازات برسانند. حتی آنگاه که بدکاران به مسیحیان جفا می‌رسانند، مسیحیان نباید در صدد انتقامجویی برآیند (۱۹؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۵؛ اول پطرس ۳: ۹). در عوض، فرد مسیحی باید مراقب باشد که تنها آنچه را که در نظر همگان درست است بجا آورد (دوم قرنتیان ۸: ۲۱). مسیحیان صرفاً نباید آنچه را که در نظر خدا درست است بجا آورند، بلکه آنچه را نیز که در نظر غیرمسیحیان درست و پسندیده است (دوم قرنتیان ۴: ۲؛ اول تیموتائوس ۳: ۷). وقتی مسیحیان این قوانین الهی را زیر پا می‌گذارند، مسیح را بدنام می‌کنند.

دوم. «مسیحیان باید با همگان در صلح و صفا بسر برند.» آیه ۱۸ می‌گوید: «تا آنجا که ممکن است با مردم در صلح و صفا بسر برید.» «با مردم در صلح و صفا بسر بردن» تنها به این معنا نیست که با آنها نزاع و مرافعه نکنیم، بلکه نیز بدین معناست که در ترمیم روابط از هم گسیخته بکوشیم و به دیگران نیکی کنیم. البته چنین کاری همیشه ممکن نیست. گاه رفتار زننده و ناشایست دیگران باعث می‌شود نتوانیم با صلح و صفا در کنار آنها زندگی کنیم. و گاهی اوقات نیز ملاحظات مهمتری چون «شرکت نکردن در گناهان دیگران» باعث شود سایرین شما را رد کنند و از شما متنفر باشند. مسیحیان اگرچه باید با همگان در صلح و صفا بسر برند، اما این وظیفه را نیز دارند که گناه سایر مسیحیان را نکوهش کنند و با تعالیم معلمان کاذب مخالفت ورزند.

سوم. «مسیحیان باید کار داوری را به خدا واگذار کنند.» آیه ۱۹ می‌گوید: «انتقام خود را به خداوند واگذار کنید.» حق داوری و مجازات کردن مردم تنها از آن خدای قادر متعال و از آن کسانی است که او وظیفه مجازات را به آنها محول کرده است. در کتاب مقدس می‌خوانیم که خدا، حق و مسئولیت مجازات کردن بدکارانی را که در یک کشور زندگی می‌کنند به «دولت» آن کشور واگذار کرده است. خدا به «والدین» این حق و وظیفه را داده است که فرزندانشان را بخاطر اشتباهاتی که مرتکب می‌شوند مجازات کنند. او به «کلیسا» این حق و وظیفه را داده که آن عده از اعضای مسیحی را که در شرارت سماجت می‌ورزند، تأدیب و مجازات کنند. اما هر گونه بی‌عدالتی شخصی که از جانب دیگران به مسیحیان می‌رسد باید به خدا واگذارده شود که داوری عادل است. اول پطرس ۲: ۲۳ می‌گوید که وقتی مردم به عیسی مسیح توهین می‌کردند، او انتقام نگرفت. وقتی رنج می‌دید، تهدیدی نکرد. بلکه در عوض جان خود را به دست کسی سپرد که داوری‌اش عادلانه است (مزمور ۳۷: ۵ - ۱۳). چهارم. «مسیحیان باید بدی را با نیکی مغلوب کنند.» آیات ۲۰ - ۲۱ می‌گوید: «اجازه ندهید بدی بر شما چیره شود، بلکه با نیکی کردن، بدی را مغلوب سازید.» مسیحیان وقتی می‌بینند دیگران در حق آنها بدی می‌کنند، نباید مأیوس شوند. بلکه برعکس، باید با نیکی کردن به آنها، ابزاری باشند در دست خدا برای فرونشاندن دشمنی و بدخواهی کسانی که به آنها اذیت و آزار می‌رسانند. زیرا با اینکار، «اخگرهای سوزان بر سر آنها می‌بارانند.» اگر چنین کنید، یا دشمنان با مشاهده مهربانی شما دلش نرم می‌شود، و یا اگر چنان دلسنگ باشد که هیچ چیز او را نرم نکند، با مشاهده لطف و مهربانی که در حق او کرده‌اید، از فرط شرم و پشیمانی از درون خواهد سوخت.

### (S) قدمهای چهارم و پنجم. کاربرد و دعا

پس از گفتگو و نظرخواهی از یکدیگر و تهیه کردن فهرستی از کاربردهای امکان پذیر، ببینید خدا از شما می‌خواهد که کدامیک از این کاربردهای امکان پذیر را در زندگی شخصی خودتان بکار ببندید. بعنوان مثال، از راههای این دنیای شریر تبعیت نکنید و اجازه ندهید این دنیای شریر شما را همرنگ خود سازد. بلکه در عوض، فکر و رفتارتان را با کتاب مقدس تطبیق دهید. از خواندن مجلات مستهجن بپرهیزید و با افراد ناباب و خدانشناس طرح دوستی نریزید. ضمناً خود را بهتر و بزرگتر از دیگران مپندارید، بلکه درک درستی در مورد خود داشته باشید. نقاط قوت سایر مسیحیان را قبول نمایید و بپذیرید که آنها در برخی موارد از شما بهتر و برترند، و به این خاطر به آنها احترام بگذارید. و سرانجام، به نوبت درباره یکی از حقایق که خدا از طریق رومیان فصل ۱۲ به شما آموخته است، دعا کنید.

### (T) تکلیف برای هفته آینده

اول. در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می‌شود شرکت کنید. از روش «پنج قدم» بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۱۳، آماده کنید.

دوم. کتابهای دستورعمل «بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید» را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم....

سوم. هر شب تا چهارشنبه به برنامه «دوره شاگردسازی از رادیو» گوش دهید.